

تحقیقی درباره

ماهیکن خاویر

● بخش فقهی

□ حکم حلیت و حرمت آبزیان

«وهو الذی سخر لکم البحر لتأکلوا منه لحماً طریاً وتستخرجوا منه حلیةً تلبسونها ونری الفلک مواخر فیه وتبتغوا من فضلہ ولعلکم تشکرون». صدق الله العلی العظیم.

از دیر زمان آبزیان دریاها و رودخانه ها مورد توجه و استفاده بوده و چه بسا ملتگاهی بودند که تنها تغذیه آنها از حیوانات دریایی و بالاخص از ماهی بوده است.

بحث در این است که آیا همه آبزیان دریاها و رودخانه ها حلال است یا بعضی حلال است و بعضی حرام. از ائمه معصومین علیهم السلام روایاتی در این باره رسیده است و فقهای قدیم و جدید در کتابهای فقهی خود متعرض حکم حیوانات دریائی شده اند.

در شریعت اسلام یک قسم از محرّمات و محللات هست که تحت عنوان خاص به خودش حلال یا حرام شده است مثلاً در چهار پایان گاو به عنوان گاو و خرگوش به عنوان خرگوش بدون اینکه علانی ذکر شده باشد، نام برده شده است. برای اشاره به آن

قسم حلال این حیوانات تحت نام خودشان، حلال گوشتند و یک قسم نیز تحت همان اسامی خاص خودشان حرام گوشت شده اند مثل سگ، خوک، خرگوش. این مطلب اختصاص به حیوانات خشکی یا دریایی، پرنده یا غیر پرنده ندارد. یک قسم از محرّمات و محللات تحت عنوان خاصی محکوم به حرمت و حلیت نشده اند بلکه یک عنوان عامی در روایات ذکر شده که هر حیوانی دارای آن عنوان عام باشد حلال گوشت است و همچنین عنوان عامی برای حرام گوشتها ذکر شده است، مثلاً در روایات است: پرنده ای که دارای چنگال باشد حرام گوشت است یا پرنده ای که پرزدنش بیشتر باشد از پرگسترده در هوا حلال است و یا پرنده ای که چینه دان داشته باشد حلال است و اگر نداشته باشد حرام است.

در مورد حکم آبزیان، با مراجعه به روایات اهل البیت و کلمات فقهاء شیعه رضوان الله علیهم، می بینیم بجز در چند مورد که با نام بردن نوع خاص آبزی بیان حکم شرعی شده، مانند جریث، مارماهی، زبیر، زهو که از قسم ماهی های حرام، و ابلامی، طبرائی، طمس، ابیثا، اربیان، کنعت از قسم ماهیهای حلال ذکر شده است، در باقی موارد با ذکر علامت و عنوان عام برای هر یک از قسم حلال و قسم حرام بیان حکم حلیت و حرمت شده است.

اولین سؤال در این رابطه این است که آیا همه حیوانات دریائی حلال گوشت است یا بعضی حلالند و بعضی حرام، در اینجا میان

□ نظر فقهای بزرگ درباره فلس ماهی

اینک اشاره ای به کلمات فقها رضوان الله علیهم می کنیم: صدوق (ره) در هدایه می فرماید: اگر ماهی فلس دارد مانع ندارد بخورید و آن ماهی را که فلس ندارد نخورید. سید مرتضی (ره) در انتصار می فرماید: از احکامی که امامیه قائل به آن است - یعنی غیر امامیه این حرف را نمی زند - این است که صید دریا اگر فلس نداشته باشد حتی اگر ماهی باشد باز هم حرام است و تنها از صید دریا، ماهی فلس دار حلال است. بازرنگت نهاییه است که می فرماید: ماهی خوردنی - یعنی ماهی که حلال است خوردنش - آن ماهی است که دارای فلس باشد و باید از آن که فلس ندارد اجتناب کرد.

ابن زهره در «غنیه» می فرماید: حلال نیست ماهی که فلس نداشته باشد و ماهی حلال آن ماهی است که دارای فلس باشد. در مراسم این چنین وارد مطلب می شود: صید دریا دو قسم است: ماهی و غیر ماهی، غیر ماهی بکلی حرام است. ماهی اقسام دارد: فلس دار و فاقد فلس، آن که فلس ندارد حرام و آن که فلس دارد حلال است.

تفسیر تعبیر سید ابن زهره در «غنیه» این حمزه در وسیله می فرماید: ماهی دو قسم است: فلس دار و بدون فلس، فلس دار حلال است بشرط اینکه تزکیه شده باشد (که تزکیه ماهی عبارت است از زنده از آب گرفتن) و بدون فلس حرام است. شیخ طوسی در خلاف می فرماید: از حیوانات دریایی، غیر ماهی خوردنی نیست (یعنی جایز نیست خوردنش) و در میان انواع ماهی، آن که فلس ندارد خوردنی نیست فقط فلس دار است که جایز است خوردنش.

علامه حلی در تحریر نظیر همین تعبیر را دارد که می فرماید: از حیوانات دریایی فقط ماهی فلس دار حلال است و آن که فلس ندارد حلال نیست. باز علامه در مختلف نقل از نهاییه شیخ می کند که خوردن حیوانات دریایی جایز نیست مگر ماهی و ماهی هم مخصوص فلس دارش، خوردنش اشکال ندارد و فاقد فلس حرام است.

مرحوم ابن جنید باز نظیر همین تعبیر را دارد که می فرماید: از ماهیان دریا نظیر جزی و مار ماهی و هر ماهی که فلس ندارد حرام است و تنها آن ماهی که فلس دارد حلال است.

مرحوم سلار نیز در این باب می فرماید: ماهی اقسامی دارد جزی، مار ماهی، زمان طائسی و غیر ذلک، که این ماهی ها و هر ماهی که در آب می میبرد و به پشت روی آب قرار می گیرد حرام است و غیر اینها آن ماهی که فلس دارد حلال و آن که فلس ندارد

مذاهب اسلامی اختلاف است، از نظر مذهب شیعه که الهام گرفته و بیان شده از لسان اهل بیت «ع» است بعضی حرام است و بعضی حلال ولی سایر مذاهب اسلامی اکثراً قائل به حلیت همه حیواناتی که در آب زندگی می کنند - از ماهی و غیر ماهی - می باشند. در مذهب شیعه در میان حیوانات آبی (غیر از پرندگان که اینها دوزیستی هستند مانند مرغابی که هم در آب زندگی می کند و هم در خشکی) آبهائی که حیاتشان به آب بسته است و ماهی نمی باشد، هر چه باشد از حیوانات آبی تحت عنوان «مالیس بسک» یعنی حیوانی که ماهی شمرده نمی شود و در آب زندگی می کند، حرام است.

□ پوشش روی پوست ماهی

از روایات چنین استفاده شده و فقها هم بر آن اتفاق دارند. از اواخر سده سوم هجرت که نوشتن کتاب به عنوان دستور العمل اسلامی، کتاب فقهی شروع شد تا این زمان، چنین فرموده اند که از حیوانات دریایی فقط ماهی حلال است و غیر ماهی هر چه باشد حرام است. و اما ماهیها خواه از دریا باشند یا از رودخانه، از نظر شکل هندسی بدن به اشکال مختلف هستند که بعضی دراز است و بعضی پهن، سرهایشان اختلاف دارد و بدنشان الی ماشاء الله اختلاف دارد. در روایات و کلمات فقها در بیان قسم حلال و حرام به هیچ نحو شکل ماهی عنوان نشده است که چه شکل باشد. پهن باشد، دراز باشد، اشکال هندسی به شکل تخم مرغی یا مربع باشد یا اشکال دیگر، این اشکال به هیچ نحو عنوان نشده است. یک جهت دیگر این که ماهیها بطور کلی از لحاظ ساختمان ظاهری بدن یعنی پوستی که روی استخوان و گوشت است دو قسم می شوند: یک قسم علاوه بر پوستی که پوشش است برای بدن چیز دیگری روی پوست دارد و قسم دیگر بجز پوستی که روی بدن حیوان است چیز دیگری ندارد. در روایات و کلمات فقهای شیعه بالا تفاق چنین آمده است که از ماهیان آن قسم که بجز پوست روی پوشش بدن هیچ پوشش دیگری ندارد حرام است گرچه ماهی شمرده می شود.

مرحوم شیخ طوسی (قده) در نهاییه و میسوط قائل شده است که بعضی اقسام این نوع ماهیها حلالند و مکروه و با استناد به یکی دو تا روایت، ولی سایر فقهای غیر ایشان قائلند به حرمت این نوع از ماهی که آن را بی فلس (أملس) می نامیم و خود مرحوم شیخ نیز در میسوط در مسأله خرید و فروش چنین ماهی قائل شده به حرمت معامله.

ماهين خاويك

حرام است. در مستند بازیک چنین مطلبی را عنوان می کند: از ماهیها حلال است آن که فلس^۱ داشته باشد و حرام است آنکه فلس ندارد به هرنامی بنامند و به هر شکلی که باشد. محقق ثانی در جامع المقاصد می فرماید: آن ماهی که فلس دارد حلال است اعم از اینکه فلس بر او باقی باشد مانند «شیوط» (که شبیه است به ماهی کپور) و یا آن ماهی که فلس بر بدنش باقی نباشد مانند «کنعت» و این یک نوع ماهی است که در روایات آمده است: این ماهی خود را به هر سونی می زند و فلسهایش می ریزد، فقط در طرف دمش و زیر گوشش فلسهایی می ماند.

شپید اول «ره» در دروس می فرماید: حیوانات دریائی مخصوص ماهی فلس دار حلال است چه فلس بر بدنش موجود باشد و یا فعلاً موجود نباشد، کافی است که از قسم فلس دار باشد.

در اینجا نکته ای است که باید تذکر داده شود و آن این است که اکثر فقها علامت حلیت ماهی را فلس قرار داده اند و در روایات (در دو مرسله و سه روایت) علامت حلیت ماهی عنوان فلس ذکر شده^۲ لکن در پانزده روایت که اکثر آنها معتبره است عنوان دیگری اخذ شده و آن «قشر» است.^۳ آیا فلس همان قشر است یا این دو باهم مغایرتند؟

با مراجعه به کلمات فقها و روایات می فهمیم: اگر فقها تعبیر به فلس نمودند منظورشان از فلس همان معنایی است که قشر بر آن منطبق است. در اکثر روایات تعبیر شده است به قشر. قشر در لغت به چه معنا است؟ در نهاییه ابن اثیر آمده است: قشر به معنای لباس است. صاحب المنجد می گوید: قشر عبارت است از پوشش شیء، پوششی را که خلقتاً باشد یا عرضاً و باز در منجد است، فلس عبارتست از پوشش روی پوست ماهی و در قاموس است: القشر بالكسر غشاء شیء خلقه او عرضاً هر لباسی و هر پوششی که روی آن چیزی باشد از آن تعبیر می کنند به قشر.

□ در فلس، شکل هندسی خاصی معتبر نیست

از کلمات فقها و از روایات روشن می شود که فلس یا قشر عبارت است از آن پوششی که روی پوست بدن ماهی است و اما شکل هندسی و خصوصیات فلس و قشر نه در روایات به عنوان خاص ذکر شده و نه در کلمات فقها بلکه آنچه که بیان شده است به عنوان علامت برای ماهیهای حلال این است که پوششی روی پوست

بدنش زائد بر پوست باشد و این پوشش نظر به اینکه اکثراً به صورت پولکهایی است که بی شباهت نیست از نظر شکل ظاهری به پول سیاهی که در سابق رایج بوده، شاید از این جهت آن را فلس گفته اند. مثلاً بر بدن شیوط یا کپور که پولکهایی است که شباهت دارد به پول سیاه (فلس). ولی فلس اختصاص به این قسم از پولکها ندارد بلکه از روایات و کلمات فقها استفاده می شود که هر نوع پوششی که روی پوست بدن ماهی باشد زائد بر پوست آن، همان فلس است و محکوم به حلیت می شود. حال این پوشش شبیه به دایره و پولک مانند باشد یا لوزی شکل باشد یا شکل دیگر و از نظر قطر چه ضخیم باشد و چه رقیق، در روایات اشاره ای بدین جهت نشده است که فلسی که علامت است برای حلال بودن ماهی، خصوص آن قشری است که دارای شکل هندسی خاصی شبیه به پول سیاههای سابق باشد.

بلکه همانطور که عرض شد در روایات خلاف این آمده است مثلاً در روایت از امام «ع» سؤال می کنند از رویان یعنی میگو که این حلال است یا حرام؟ حضرت میفرماید: حلال است برای اینکه قشر دارد.

راوی از امام صادق «ع» سؤال می کند رویان حلال است یا حرام؟ حضرت می فرماید: حلال است برای اینکه از قسم ماهی است، پس از آن حضرت می فرماید: اما تراها تقلقل فی قشرها؟ آیا نمی بینی آن را که لول می خورد و حرکت می کند در قشر خودش؟^۴ بنابراین قشری که در لسان روایات علامت قرار داده شده برای حلال بودن ماهی، وقتی که ما میبینیم در لسان امام تطبیق شد بر آن پوشش روی پوست بدن اریبان (میگو)، از اینجا می فهمیم که این قشر تطبیق می شود بر پوشش زائد بر پوست بهر شکلی که باشد.

در روایت دیگر که صحیح زراره است نکته قابل توجهی است. زراره می گوید: از حکم «جریت» از امام صادق «ع» سؤال کردم؟ امام فرمود: جریت چیست؟ توصیفش کردم شاید تقیه ای در بین بود که حضرت تصریح به حلیت و حرمتش نکرد فقط آیه ای را تلاوت فرمود «قل لا اجد فیما اوتی الی محرماً علی طاعم یطعمه...» بعد فرمودند که خداوند منان از حیوانات دریا فقط خوک را بعینه حرام قرار داد سپس فرمودند: «و یکره کل شیء من البحر لیس له قشر مثل الوریق» از حیوانات دریایی که قشر همانند برگ نداشته باشد کراهت دارد و حرام است یعنی آن که قشر همانند برگ دارد بلاشبهه حلال است.

مشتاق شوم می توانم بچین امری نیز مشغول
شده‌ام که از این مضمون حدیثی
بلک حسن مشتمل می ماند و روشی در

مرحوم محقق در شرایع می فرماید: در میان حیوانات دریائی، خوردنی نیست مگر آنکه از قسم ماهی باشد و برای آن فلس باشد و عبارت محقق اینچنین است: «ولا یؤکل منه ای من حیوان البحر الا ماکان سمکاً له فلس» در شرح این عبارت «له فلس» صاحب جواهر می فرماید: «ای قشر کالورق» که از همان روایت اخذ نموده است.

پس ماهیان دریا و آبزیان به یک تقسیمی، تقسیم می شوند به دو قسم: ماهی و غیر ماهی، غیر ماهی در مذهب شیعه حرام است بالاتفاق، در ماهی از نظر شکل، بهر شکلی باشد از نظر رنگ به هر رنگی باشد نیز تقسیم می شود به دو قسم: ماهی فلس دار و ماهی بدون فلس و در این تقسیم فقط ماهی فلس دار محکوم به حلیت است.

بنابراین منظور از قشر و فلس یک شکل هندسی خاص نیست که قابل تغییر و تبدیل نباشد بلکه آنچه از روایات بر می آید و کلمات فقها رضوان... تعالی علیهم مساعد بر آن است، این است که زاید بر پوستی که پوشش بدن حیوان است آن چیزی که روی پوست، پوشش برای بدن حیوان حساب بشود و سرتاسری و یکپارچه مانند پوست نباشد بلکه پوشش بریده بریده و تکه تکه مانند ورق روی پوست بدن حیوان باشد چه این پوشش به شکل دایره، ذوزنقه، لوزی و چه هر شکل دیگر باشد، قشرش زیاد یا کم باشد و از نظر جنس بصورت غضروف مانند باشد یا جنسهای دیگر قشر حساب می شود و علامت حلیت است. اگر بگوئیم قشری که علامت حلیت است عبارتست از خصوص آن پولک دایره‌ای شکل که از جنس غضروف باشد یا استخوانی باشد، این دلیل می خواهد و ما چنین دلیلی در روایات نداریم، بلکه آنچه روایت مساعد است و فقها (ره) استنباط فرموده اند، این است که: یک چنین پوششی که باز تکرار می کنم این پوشش از نظر شکل هندسی بهر شکلی باشد و از نظر نوعیت جنس بهر جنسی که باشد علامت حلیت است و ماهی اگر دارای این علامت باشد محکوم به حلیت می شود. و در طرف مقابل: آن ماهی که امس است و صاف و پوست بدنش مثل پوست تخم مرغ می ماند که هیچ ندارد، آن را می گویند: «لا فلس له»، «لا قشر له» و به اجماع فقهای امامیه و اقتباس از کلمات ائمه معصومین «ع» آنرا تعبیر می کنند به ماهی بدون فلس و محکوم به حرمت است.

این که حضرت می فرماید قشر همانند برگ، منظور از این تشبیه چیست؟ از نظر شکل هندسی برگها به یک شکل نیستند بلکه هزاران شکل دارند مثل برگ درخت کالیپتوس باریک و دراز است برگ درخت پرتقال به شکل دیگر است، برگ درخت انجیر، درخت سرو، چنار هر یک به شکلی است. همچنین نباتات دیگر، هر نباتی برگهایش شکل مخصوص به خود دارد پس حضرت که می فرماید از حیوانات دریایی آنچه که قشر همانند برگ داشته باشد حلال است و اشکال ندارد، منظورشان یک برگ، بخصوص بایک شکل هندسی و بزه‌ای نمی باشد.

شاید گفته شود: درخت دو پوشش دارد یک پوشش، پوست خود ساقه های درخت است که تنیده است از پایین بطوریکه جدای از درخت نمی باشد و یک پارچه و یک پوشش دیگر برگ است که تکه تکه و بریده است اما مجموع این برگها پوششی است برای درخت که ساقه ها را در خودش می پوشانند، شاید بتوان گفت که منظور حضرت این است که گمان نکنید مراد از قشر همان پوست بدن ماهی است که تمام بدن را بپوشاند بلکه منظور از قشر آن پوششهای بریده بریده ای است که روی پوست است. مثل برگ درخت که ساقه نیست، پوست روی ساقه نیست و در عین حال پوششی است برای اینکه این برگها در عین حال که پوششی است برای درخت به آن چسبیده است و از ظواهر درخت حساب می شود، از آن ارتزاق می کنند، آب می گیرد، رشد می کند تا در فصل خزان زرد می شود و می ریزد. شاید منظور حضرت این باشد که قشری که علامت حلیت ماهی در میان انواع آبزیان است، عبارت از آن پوششی که زاید بر پوست و روی پوست است و شکل آن شکل پوست بدن حیوان نیست که از سرتادم بپوشیده باشد بلکه تکه تکه و بریده بریده است که پوششی است روی پوست، از این جهت شاید تعبیر شده از آن به «المدق» نظیر همین تعبیری که در روایت هست.

ادامه دارد

- ۱- از فلس به قشر و ورق نیز تعبیر شده است.
- ۲- وسائل الشیعه - ابواب الاطعمه المحرمه - باب ۸ حدیث ۷۷۳، باب ۹ حدیث ۹، باب ۹ حدیث ۱۵
- ۳- وسائل الشیعه - ابواب الاطعمه المحرمه - باب ۸ حدیث ۸، باب ۹ حدیث ۹، باب ۹ حدیث ۹
- ۴- وسائل الشیعه - ابواب الاطعمه المحرمه - باب ۱۱ حدیث ۱ و باب ۱۲ حدیث ۱۰۲-۱۰۳
- ۵- وسائل الشیعه - ابواب الاطعمه المحرمه - باب ۱۲ حدیث ۵ - ۱۰